**زندگینامه شهید دكتر مصطفی چمران**

چمران از قلب بیروت سوخته و خراب تا قله های بلند كوههای جبل عامل و در مرزهای فلسطین اشغال شده از خود قهرمانیهای بسیاری به یادگار گذاشته و همیشه در قلب محرومین و مستضعفین شیعه جای گرفته است .

دكتر مصطفی چمران در سال 1311 در تهران ، خیابان پانزده خرداد متولد شد. وی تحصیلات خود را در مدرسه انتصاریه، نزدیك پامنار، آغاز كرد و در دارالفنون و البرز دوران متوسطه را گذراند؛ سپس در دانشكده فنی دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و در سال 1336 در رشته الكترومكانیك فارغ التحصیل شد. چمران یك سال به تدریس در دانشكده فنی پرداخت. وی در همه دوران تحصیل شاگرد اول بود. در سال 1337 با استفاده از بورس تحصیلی شاگردان ممتاز به آمریكا اعزام شد و پس از تحقیقات علمی در جمع معروف ترین دانشمندان جهان در كالیفرنیا ومعتبرترین دانشگاه آمریكا - بركلی - با ممتاز ترین درجه علمی موفق به اخذ مدرك دكترای الكترونیك و فیزیك پلاسما گردید.

 **فعالیتهای اجتماعی:**دكتر مصطفی چمران  از 15 سالگی در درس تفسیر قرآن مرحوم آیت الله طالقانی، در مسجد هدایت، و در درس فلسفه و منطق استاد شهید مرتضی مطهری و بعضی از اساتید دیگر شركت می كرد و از اولین اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران بود. در مبارزات سیاسی دوران مصدق از مجلس چهاردهم تا ملی شدن صنعت نفت شركت داشت . بعد از كودتای ننگین 28 مرداد و سقوط دولت دكتر مصدق در لوای یك گروه سیاسی  سخت ترین مبارزه ها و مسئولیتهای او علیه استبداد و استعمار شروع شد و تا زمان مهاجرت از ایران، بدون خستگی و با همه قدرت خود، علیه نظام طاغوتی شاه جنگید و خطرناك ترین مأموریتها را در سخت ترین شرایط با پیروزی به انجام رسانید.



**برای دریافت تصویر با کیفیت روی عکس کلیک نمایید**

چمران در آمریكا، با همكاری بعضی از دوستانش، برای اولین بار انجمن اسلامی دانشجویان آمریكا را پایه ریزی كرد و از موسسین انجمن دانشجویان ایرانی در كالیفرنیا و از فعالین انجمن دانشجویان ایرانی در آمریكا به شمار می رفت كه به دلیل این فعالیتها، بورس تحصیلی شاگرد ممتازی وی از سوی رژیم شاه قطع می شود. او پس از قیام خونین 15 خرداد سال 1342 و سركوب ظاهری مبارزات مردم مسلمان به رهبری امام خمینی (ره) دست به اقدامی جسورانه و سرنوشت ساز می زند و  به همراهی بعضی از دوستان مؤمن و همفكر ، رهسپار مصر می شود و مدت دو سال در زمان عبد الناصر سخت ترین دوره های چریكی و پارتیزانی را می آموزد و به عنوان بهترین شاگرد این دوره شناخته شده و فوراً مسئولیت تعلیم چریكی مبارزان ایرانی را بر عهده می گیرد .

وی به علت برخورداری از بینش عمیق مذهبی، از ملی گرایی ورای اسلام ، گریزان بود و وقتی در مصر مشاهده نمود كه جریان ناسیونالیسم عربی باعث تفرقه مسلمین می شود، به جمال عبد الناصر اعتراض كرد . ناصر ضمن پذیرش این اعتراض گفت كه جریا ن ناسیونالیسم عربی آنقدر قوی است كه نمی توان به راحتی با آن مقابله كرد . چمران نیز با تأسف تأكید می كند كه ما هنوز نمی دانیم كه بیشتر این تحریكات از ناحیه دشمن برای ایجاد تفرقه در بین مسلمانان است. از آن پس به چمران و یارانش اجازه داده می شود تا در مصر نظرات خود را بیان كنند.

**حضور در لبنان:**بعد از وفات عبد الناصر، ایجاد پایگاه چریكی مستقل برای تعلیم مبارزان ایرانی، ضرورت پیدا می كند ، از این رو دكتر چمران رهسپار لبنان می شود تا چنین پایگاهی را ایجاد كند.

او به كمك امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان، حركت محرومین و سپس جناح نظامی آن، سازمان «امل» را بر اساس اصول و مبانی اسلامی پی ریزی می نماید . این سازمان درمیان توطئه ها و دشمنی های چپ و راست، با تكیه بر ایمان به خدا و با اسلحه شهادت، خط راستین اسلام انقلابی را پیاده  كرده  ، در معركه های مرگ و حیات به آغوش گرداب خطر فرو می رود و در طوفانهای سهمناك سرنوشت، به استقبال شهادت می تازد و پرچم خونین تشیع را در برابر جبار ترین ستمگران روزگار، صهیونیزم اشغالگر و همدستان خونخوار آنها، راستگرایان فالانژ، به اهتزاز در می آورد.

چمران از قلب بیروت سوخته و خراب تا قله های بلند كوههای جبل عامل و در مرزهای فلسطین اشغال شده از خود قهرمانیهای بسیاری  به یادگار گذاشته وهمیشه  در قلب محرومین و مستضعفین شیعه جای گرفته  است . شرح این مبارزات افتخار آمیز با قلمی سرخ و به شهادت خون پاك شهدای لبنان، بر كف خیابانهای داغ و بر دامنه كوههای مرزی اسرائیل برای ابد ثبت گردیده است.



**برای دریافت تصویر با کیفیت روی عکس کلیک نمایید**

**چمران و انقلاب اسلامی ایران:**دكتر چمران با پیروزی انقلاب اسلامی بعد از 21 سال هجرت، به وطن باز می گردد. همه تجربیات انقلابی و علمی خود را در خدمت انقلاب می گذارد. خاموش و آرام ولی فعالانه و قاطعانه به سازندگی می پردازد و همه تلاش خود را صرف تربیت اولین گروههای پاسداران انقلاب در سعد آباد می كند. سپس در شغل معاونت نخست وزیری ، روز و شب خود را به خطر می اندازد تا سریع تر مسأله كردستان را فیصله دهد .او در قضیه فراموش ناشدنی « پاوه » قدرت ایمان و اراده آهنین  و شجاعت و فدا كاری خود را  بر همگان ثابت می كند .

پس از این جریانات ، فرمان انقلابی امام خمینی (ره) صادر شد . فرماندهی كل قوا را به دست گرفت و به ارتش فرمان داد تا در 24 ساعت خود را به پاوه برساند و فرماندهی منطقه نیز به عهده دكتر چمران واگذار شد.

رزمندگان از جان گذشته انقلاب، اعم از سرباز و پاسدار به حركت در آمدند وبا تكیه بر همه تجارب انقلابی، ایمان، فداكاری، شجاعت، قدرت رهبری و برنامه ریزی دكتر چمران به  شكوهمند ترین قهرمانیها دست یافتند و  در عرض 15 روز همه شهر ها و راهها و مواضع استراتژیك كردستان را به تصرف درآوردند. بدین ترتیب كردستان از خطر حتمی نجات یافت و مردم مسلمان كرد با شادی و شعف به استقبال این پیروزی شتافتند.

دكترمصطفی چمران بعد از این پیروزی بی نظیر و بازگشت به تهران از طرف بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ، امام خمینی (ره)، به وزارت دفاع منصوب گردید. وی در پست جدید، برای تغییر و تحول ارتش ، به یك سلسله برنامه های وسیع بنیادی  دست زد كه پاكسازی ارتش و پیاده كردن برنامه های اصلاحی از این قبیل است .

شهید  چمران در اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، از سوی مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد و تصمیم داشت در تدوین قوانین و نظام جدید انقلابی، بخصوص در ارتش، حداكثر سعی و تلاش خود را بكند تا ساختار گذشته ارتش را تغییر دهد. وی در یكی از نیایشهای خود بعد ازانتخاب نمایندگی مردم در مجلس شورای اسلامی، اینسان خدا را شكر می گوید: « خدایا، مردم آنقدر به من محبت كرده اند و آنچنان مرا از باران لطف و محبت خود سرشار كرده اند كه به راستی خجلم و آنقدر خود را كوچك می بینم كه نمیتوانم از عهده آن به در آیم. تو به من فرصت ده، توانایی ده تا بتوانم از عهده برایم و شایسته این همه مهر و محبت باشم.»

چمران  سپس به نمایندگی حضرت امام (ره) در شورای عالی دفاع منصوب شد و مأموریت یافت تا به طور مرتب گزارش كار ارتش را ارائه نماید.

پس از شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دوران حماسه ساز و پرتلاش دیگری آغاز می شود . دكتر چمران در آن دوران  نمونه كامل ایثار، شجاعت و در عین فروتنی و كار مداوم و بدون سر و صدا و فقط برای رضای خدا بود . او بعد از حمله ناجوانمردانه ارتش صدام به مرزهای ایران و یورش سریع آنها به شهر ها و روستا ها و مردم بی دفاع ، نتوانست آرام بگیرد و به خدمت امام امت رسید و با اجازه ایشان و به همراه مقام معظم رهبری ، آیت الله  خامنه ای كه در آن زمان  نماینده دیگر امام در شورای عالی دفاع و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی بود ، به اهواز رفت. از آنجایی كه او همیشه خود را در گرداب خطر می افكند و هراسی از مرگ نداشت، از همان بدو ورود دست بكار شد و در شب اول حمله چریكی ای را علیه تانكهای دشمن كه تا چند كیلومتری شهر اهواز پیشروی كرده بودند، آغاز كرد.

مصطفی چمران گروهی از رزمندگان داوطلب را  به گردخود جمع كرد وبا تربیت و سازماندهی آنان، ستاد جنگهای نامنظم را در اهواز تشكیل داد. این گروه كمكم قوت گرفت و منسجم شد و خدمات زیادی انجام داد. ایجاد واحد مهندسی فعال برای ستاد جنگهای نامنظم یكی از این برنامه ها بود، كه به كمك آن جاده های نظامی به سرعت و در نقاط مختلف ساخته شد و با نصب پمپ های آب در كنار رود كارون و احداث یك كانال به طول حدود بیست كیلومتر و عرض یكصد متر در مدتی كوتاه ، آب كارون را به طرف تانكهای دشمن روانه ساخت، بطوری كه آنها مجبور شدند چند كیلومتری عقب نشینی كنند و سدی عظیم مقابل خود بسازند.  این عمل فكر تسخیر اهواز را برای همیشه از سردشمنان به دور كرد .

یكی دیگر از كارهای مهم و اساسی او از همان روزهای اول، ایجاد هماهنگی بین ارتش، سپاه و نیروهای داوطلب مردمی بود كه در منطقه حضور داشتند. بازده این حركت و شیوه جنگ مردمی و هماهنگی كامل بین نیروهای موجود، تاكتیك تقریباً جدید جنگی بود. چیزی كه ابر قدرتها قبلاً فكر آن را نكرده بودند. متأسفانه این هماهنگی در خرمشهر به وجود نیامد و نیروهای مردمی تنها ماندند. او تصمیم داشت به خرمشهر  برود ولی به علت  خطر سقوط جدی اهواز، موفق نشد ولی چندین بار نیروهایی بین دویست تا یك هزار نفر را سازماندهی كرده و به خرمشهر فرستاد . آنان به كمك دیگر برادران خود توانستند در جنگی نا برابر مقابل حملات پیاپی دشمن تا مدتها مقاومت كنند.

پس از یأس دشمن از تسخیر اهواز، رژیم بعث عراق  سخت به فتح سوسنگرد دل بسته بود تا رویای قادسیه را تكمیل كند و برای دومین بار به آن شهر مظلوم حمله كرد و سه روز تانكهای حزب بعث  شهر را در محاصره گرفتند . روز سوم تعدادی از آنها توانستند به داخل شهر راه یابند. گزارش مهر همچنین می افزاید : دكتر چمران از محاصره تعدادی از یاران و رزمندگان شجاع خود در آن شهر سخت بر آشفته بود، با فشار و تلاش خود ومقام معظم رهبری  ، ارتش را آماده ساخت كه برای اولین بار دست به یك حمله خطرناك وحماسه آفرین و نابرابر بزنند و خود نیز نیروهای مردمی و سپاه پاسداران را در كنار ارتش سازمان دهی كرد و با نظامی نو و شیوه ای جدید از جانب جاده اهواز سوسنگرد به دشمن یورش بردند.

شهید چمران پیشاپیش یارانش، به شوق كمك و دیدار برادران محاصره شده در سوسنگرد، به سوی این شهر می شتافت كه در محاصره تانكهای دشمن قرار گرفت. او سایر رزمندگان را به سوی دیگری فرستاد تا نجات یابند وخود را به حلقه محاصره دشمن انداخت؛ در این هنگام بود كه نبرد سختی در گرفت؛ نیروهای كماندوی دشمن از پشت تانكها به او حمله كردند و او نیز  در مصاف با دشمن متجاوز، از نقطه ای به نقطه دیگر و از سنگری به سنگردیگر می رفت. كماندوهای دشمن او را به زیر رگبار گلوله های خود گرفته بودند، تانكها به سوی او تیر اندازی می كردند و او شجاعانه و بدون هراس از انبوه دشمن و آتش شدید آنها سریع، چابك، به آتش آنها پاسخ گفته و هر لحظه سنگر خود را تغییر می داد.

در این درگیری همرزم  چمران به شهادت رسید و اویك تنه به نبرد خود ادامه می داد و به سوی دشمن حمله می برد.  تا آنكه در حین « رقصی چنین در میانه میدان» از دوقسمت پای  چپ زخمی شد. با پای زخمی بر یك كامیون عراقی حمله برد و به غنیمت گرفت .  او به كمك جوان چابك دیگری كه خود را به مهلكه رسانده بود به داخل كامیون نشست واز دایره محاصره خارج شد .

دكتر چمران با همان كامیون خود را به بیمارستانی در اهواز رسانید و بستری شد. اما بیش از یك شب در بیمارستان نماند وبعد از آن به مقر ستاد جنگهای نا منظم رفت و دوباره با پای زخمی و دردمند به كار خود پرداخت. حتی در همان شبی كه در بیمارستان بستری بود، جلسه مشورتی فرماندهان نظامی (تیمسار شهید فلاحی، فرمانده لشگر92، شهید كلاهدوز، مسئولین سپاه و سرهنگ محمد سلیمی كه رئیس ستاد او بود)، استاندار خوزستان و نماینده امام در سپاه پاسداران (شهید محلاتی) در كنار تخت او در بیمارستان تشكیل شد .او در همان حال و همان شب پیشنهاد حمله به ارتفاعات الله اكبر را مطرح كرد.

شهید چمران به رغم اسرار و پیشنهاد مسئولین و دوستانش ، حاضر به ترك اهواز و ستاد جنگهای نا منظم و حركت به تهران برای معالجه نشد . تمام مدت را در همان ستاد گذراند،  در كنار بسترش و در مقابلش نقشه های نظامی منطقه، مقدار پیشروی دشمن و حركت نیروهای خودی نصب شده بود و او كه قدرت و یارای به جبهه رفتن نداشت، دائماً به آنها می نگریست و مرتب طرحهای جالب و پیشنهاد های سازنده در زمینه های مختلف نظامی، مهندسی و حتی فرهنگی ارائه می داد.

چمران پس از زخمی شدن، اولین بار برای دیدار با امام امت و بیان گزارش عازم تهران شد. به حضور امام رسید و حوادثی را كه اتفاق افتاده بود و شرح مختصر عملیات و پیشنهادهای خود را ارائه داد. حضرت امام (ره) نیز پدرانه و با ملاطفت خاصی  رهنمودهای لازم را ارائه می داد.

دكتر چمران از سكون و عدم تحركی كه در جبهه ها وجود داشت دائماً رنج می برد و تلاش می كرد كه باارائه پیشنهادها و برنامه های ابتكاری حركتی بوجود آورد. او اصرار داشت كه هرچه زودتر به تپه های الله اكبر و سپس به بستان حمله شود و خود را به تنگ چزابه كه نزدیكی مرز است رسانده تا ارتباطات شمالی و جنوبی نیروهای عراقی و مرز پیوسته آنان قطع شود. به گزارش مهر بالاخره در سی و یكم اردیبهشت ماه 1360، با یك حمله هماهنگ و برق آسا ارتفاعات الله اكبر فتح شد كه پس از پیروزی سوسنگرد بزرگ ترین پیروزی تا آن زمان بود.

شهید چمران به همراه رزمندگان شجاع اسلام در زمره اولین كسانی بود كه پا به ارتفاعات الله اكبر گذاشت؛ در حالی كه دشمن  هنوز در نقاطی مقاومت می كرد او و فرمانده شجاعش ایرج رستمی، دو روز بعد با تعدادی از یاران خود توانستند با فدا كاری و قدرت تمام تپه های شحیطیه (شاهسوند) را به تصرف در درآورند .

پس از پیروزی ارتفاعات الله اكبر، چمران  اصرار داشت نیروهای ایرانی هرچه زودتر، قبل از این كه دشمن بتواند استحكاماتی برای خود ایجاد كند، بسوی بستان سرازیر شوند كه این كار عملی نشد و خود او طرح تسخیر دهلاویه را با ایثار و گذشت و فداكاری رزمندگان جان بر كف ستاد جنگهای نا منظم و به فرماندهی ایرج رستمی عملی ساخت.

**شهادت :**در سی ام خرداد ماه 1360 یعنی یك ماه پس از پیروزی ارتفاعات الله اكبر، چمران در جلسه فوق العاده شورای عالی دفاع در اهواز با حضور مرحوم آیت الله اشراقی شركت و از عدم تحرك و سكون نیروهاانتقاد كرد و پیشنهاد های نظامی خود را از جمله حمله به بستان را ارائه داد. این آخرین جلسه شورای عالی دفاع بود كه  در آن شركت داشت و فردای آن روز، روز غم انگیز و بسیار سخت و هولناكی بود.

 در سحر گاه سی و یكم خرداد 1360 ، ایرج رستمی فرمانده منطقه دهلاویه به شهادت رسید و شهید دكتر چمران بشدت از این حادثه افسرده و ناراحت بود. غمی مرموز همه رزمندگان ستاد، بخصوص رزمندگان و دوستان رستمی را فرا گرفته بود. شهید چمران، یكی دیگر از فرماندهانش را احضار كرد و خود، او را به جبهه برد تا در دهلاویه به جای رستمی معرفی كند . در لحظه حركت، یكی از رزمندگان با سادگی و زیبایی گفت: « همانند روز عاشورا كه یكایك یاران حسین (ع) به شهادت رسیدند، عباس علمدار او(رستمی) هم به شهادت رسید و اینك خود او آماده حركت به جبهه است.»

بطرف سوسنگرد به راه افتاد و در بین راه مرحوم آیت الله اشراقی و شهید تیمسار فلاحی را ملاقات كرد. برای آخرین بار همدیگر را دیدند وبه حركت ادامه دادند تا اینكه به قربانگاه رسیدند .

چمران  همه رزمندگان را در كانالی پشت دهلاویه جمع كرد، شهادت فرمانده شان را به آنها تبریك و تسلیت گفت و با صدایی محزون و گرفته از غم فقدان رستمی، ولی نگاهی عمیق و پر نور و چهره ای نورانی و دلی مالا مال از عشق به شهادت و شوق دیدار پروردگار گفت: «خدا رستمی را دوست داشت و برد و اگرخدا ما را هم دوست داشته باشد، می برد.»

خداوند ثابت كرد كه او را نیز دوست دارد و به سوی خود فرا خواند. چمران در آن منطقه در حین سركشی به مناطق و خطوط مقدم  بر اثر اثابت تركش خمپاره های دشمن به شهادت رسید .

برای دسترسی به ویژه نامه شهید چمران [**اینجا**](http://www.aviny.com/Occasion/Enghelab_Jang/Chamran/88/VijeName.aspx) را کلیک کنید.

**منبع : خبرگزاری مهر**